

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

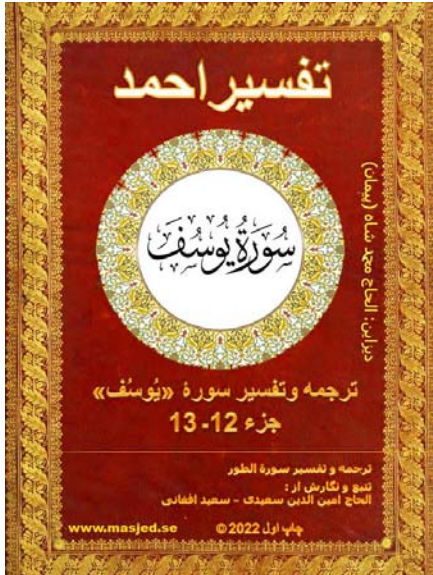
afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"  
۰۶ می ۲۰۲۲

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ترجمه و تفسیر سوره «یوسف» - (۵) جزء ۱۲-۱۳



سوره «یوسف» در مکه مکرمه نازل شده، دارای یک صد و یازده آیت و دوازده رکوع می‌باشد.

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵)

(یعقوب) گفت: ای پسر من! خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو حيله سازی می‌کنند، بی گمان شیطان برای انسان دشمن آشکار است. (۵)

«قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ»: یعقوب به فرزندش یوسف گفت: پسر من! خوابت را به برادرانت حکایت و قصه نکنی؛ و آنان را از این خواب با خبر نسازی، زیرا این رؤیائی است بزرگ که حسادت‌شان را برمی‌انگیزد.

یکی از اصول زندگی، همانا حفظ رازداری است که انسان در طول حیات و زندگی خویش باید جداً به آن اهتمام به‌خرج دهد. ملاحظه می‌شود که: یوسف علیه السلام، خواب خود را دور از چشم برادران، به پدر خویش بیان داشت. که این خود نشانه زیرکی و هوشیاری یوسف علیه السلام می‌باشد. در ضمن در می‌یابیم که: پدر و مادر باید فرزندان خویش را چنان تربیت دهند و با فرزندان خویش چنان رابطه‌ای صمیمانه اعتماد سازی در زندگی ایجاد کنند که فرزندان شان به اعتماد کامل، نه تنها رازهای بیداری خویش؛ بلکه حتی رازهای خوابی خویش را نیز به آنان در میان بگذارند.

طوری‌که ملاحظه می‌نمائیم که: یوسف خواب و رؤیای خویش را با پدر خویش مطرح می‌کند. یعقوب علیه السلام بعد از استماع خواب فرزندش، تأویل خواب فرزندش یوسف را دانست و از آن ترسید که اگر وی خوابش را به برادرانش بیان کند، آن‌ها نیز تأویل آن را بفهمند و لذا بر وی رشک و حسادت برند.

ملاحظه می‌داریم که: در خانواده انبیاء نیز، مسایل ضد اخلاقی همچون حسد و حيله میان فرزندان شان وجود داشت، بناءً یعقوب علیه السلام به منظور جلوگیری از فتنه، طوری که در بین مردم معروف است که: پیشگیری بهتر از درمان است. (واقعاً نگفتن خواب به برادران، نوعی پیشگیری از تحریک حسادت می‌باشد).

باید گفت؛ برادران یوسف علیه السلام که از خواب وی و مقام آینده او اطلاعی نداشتند دست به چنین عملی زدند، و اگر احياناً برادران از خواب یوسف مطلع و باخبر می شدند به الله متعال معلوم است، که دست به چه اعمال و توطئه هائی می زدند.

در حدیث شریف آمده است: «برای برآوردن حواجی خویش، از کتمان آن‌ها یاری جوئید زیرا هر صاحب نعمتی محسود حاسدان است».

همچنین در حدیث شریف آمده است: «رؤیا - تا آن‌گاه که صاحبش از آن سخنی نگوید - به پای پرنده‌ای آویخته است اما اگر آن را حکایت کرد، آن رؤیا به واقعیت می‌پیوندد، لذا خواب خود را جز به شخص عاقل، یا دوست، یا شخص خیراندیشی حکایت نکنید». یعنی: آن را به کسی بازگو کنید که از آن تعبیری نیکو به شما ارائه دهد.

«فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا» و از آن می‌ترسم که بر تو نیرنگی اندیشیده و در جهت نابودی‌ات تلاش محیلانه‌ای سازمان دهند؛ «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵)»: چه شیطان انسان را دشمنی نیرومند و نیرنگ بازی است آشکار. مفسر ابوحیان در این مورد می‌نویسد: یعقوب از رؤیای یوسف دریافت که الله او را به مقام و درجه والا و حکمت نایل می‌کند و او را به پیامبری برمی‌گزیند و نعمت و عزت هر دو جهان را به او می‌دهد. از این رو، بیم و ترس داشت برادرانش به او حسد برند؛ لذا او را از بازگفتن رؤیا برای برادرانش منع کرد. (تفسیر البحر ۲۸۰/۵).

واقعاً برخی اسرار در زندگی انسانی به قدری مهم و ذی اهمیت هستند که افشای آن زندگی انسان یا جماعت انسانی را به مخاطره می‌اندازد. بناءً در زندگی مهم است که در برخی از موارد خاص، مهم و حساس باید خطر را قبل از وقوع آن گوشزد کرد.

یعقوب علیه السلام در مورد کید برادران نسبت به یوسف اطمینان داشت. شیطان با استفاده از زمینه‌های درونی بر ما سلطه می‌یابد. حسادت برادران، زمینه را برای بروز دشمنی شیطان نسبت به انسان فراهم ساخت. واقعیت همین است که: شیطان دشمن انسان است، حتی اگر اولاد پیامبر هم باشد.

### رؤیا (خواب) یوسف علیه السلام:

مفسران در مورد رؤیای حضرت یوسف علیه السلام می‌نویسند: یوسف در زمانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، رؤیای عجیبی دید، در خواب دید که آفتاب و ماه و یازده ستاره برای او به سجده رفتند، این امر او را به خوف و ترس انداخت و این رؤیا را عظیم پنداشت. چون از خواب بیدار شد، آن را برای پدر بازگو کرد، پدر فهمید که او در آینده شأن عظیمی خواهد داشت و به مرتبه و مقام بس عالی خواهد رسید. طوری که پدر و مادر و همه برادران در مقابل او سر تعظیم فرود خواهند آورد. لذا بدو دستور داد که خواب خود را پنهان بدارد و برای کسی قصه نکند، نکند بر او حسادت بورزند و به کیدی علیه او متوسل شوند، زیرا کید و حسادت جزء طبیعت انسان‌ها است. یعقوب علیه السلام فرزند دلبنده خود را به کتمان این راز توصیه فرمود.

در حدیث آمده است: «استعینوا علی قضاء حوائجکم بالکتمان فان کل ذی نعمة محسود» (در راستای برآوردن نیازها و حاجت‌های خود از راز داری و کتمان سود بگیریید، چون هر صاحب نعمتی مورد رشک و حسادت واقع می‌شود.) خداوند متعال در اشاره به این رؤیا می‌فرماید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

رَأَيْتُهُمْ لِي سُجِدِينَ ۴ قَالَ يُبَيِّنُ لِأَقْرَبِهِ مَا نَزَّلَ فِي الْكِتَابِ مِنَ الْآيَاتِ ۚ وَمَا يُؤْمِنُ بِهِ سَاءَ مَا يَحْكُمُ بِهِمْ يُحْكَمُ بِهِمْ لَهُ لَوِ شَاءَ اللَّهُ لَأَقْرَبُ الْعِلْمِ ۚ اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (يوسف: ۴-۵). ( زمانی که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من در خواب دیدم که یازده ستاره، آفتاب و ماه در برابر من سجده می‌کنند. گفت: فرزند عزیزم، خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نیرنگبازی و دسیسه‌سازی کنند بیگمان اهریمن دشمن آشکار انسان است.

آنچه که از ظاهر نص قرآنی استفاده می‌شود اینست که: یوسف رؤیای خود را در غیبت برادرانش با پدر خویش در میان گذاشت و پدر به او توصیه کرد رؤیا را با برادران در میان نگذارد.

ولی از عبارت تورات استفاده می‌شود که بازگویی رؤیا برای پدر در حضور برادران صورت گرفته است. پدر او را از این سخن بازداشت و به شوخی گفت: شاید معنای خوابت این است که من و مادرت و برادرانت در برابر تو به سجده بیفتیم. آنچه در تورات آمده قطعاً خطا است، چون تورات کنونی تحریف شده است و قول صحیح همان است که در قرآن آمده است. (به‌نقل از رساله پیغمبری و پیغمبران در قرآن کریم، نوشته: شیخ علی صابونی).

**وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُنَبِّئُكَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)**

و این گونه پروردگارت تو را بر می‌گزیند، و تأویل احادیث (= تعبیر خوابها) را به تو می‌آموزد و نعمت خود را بر تو و فرزندان یعقوب کامل می‌کند، همانطور که پیش از این بر پدران ابراهیم و اسحاق کامل نمود. بی‌گمان پروردگارت دانای باحکمت است. (۶)

باید یاد آور شد که: ارزش انسان به سن و سال نیست، ممکن است کسی از نظر سنی کوچکتر باشد ولی از نظر خصلت‌ها و ارزش والاتر باشد. چنان‌که یوسف از برادران خود کوچکتر بود. طوری که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ» یعقوب فرمود همانطوری که خدای سبحان این رؤیای با عظمت را به تو نشان داد، همان‌طور هم شما را برای پیامبری بر می‌گزیند.

حضرت یعقوب علیه السلام در این آیت مبارکه، خواب فرزندش یوسف را برای او تعبیر می‌کند و از آینده‌اش خبر می‌دهد.

گرچه ظاهر آیت آن است که گوینده جمله «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ» یا خداوند است و یا حضرت یعقوب که چون علم او از طرف خداوند است، يك پیشگویی صحیح است و مانعی ندارد به خصوص با توجه به این‌که در آن زمان یوسف، پیامبر نبوده با جمله «يَجْتَبِيكَ» مورد خطاب مستقیم خداوند واقع شود. (تفسیر نور)

«وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ»: و تعبیر رؤیاهای در حال خواب و خبر دادن از مقاصد آن‌ها را به تو خواهد آموخت، «وَيُنَبِّئُكَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ» و نبوت و حکمت را بر تو و نسل پدرت یعقوب تکمیل و تمام می‌کند.

یعنی: همان گونه که پروردگارت تو را با نمایاندن این خواب برگزید، همچنین تو را بر سایر بندگان به نبوت بر می‌گزیند و برادرانت را برایت رام و مطیع می‌گرداند چنان‌که اجرام آسمانی را که در خواب دیدی، برایت رام کرد و آن‌ها را در پیشگاهت به سجده انحنا و تعظیم واداشت «و به تو از علم تأویل الاحادیث» یعنی: تعبیر و تفسیر خواب «می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند» و نبوت و پادشاهی (هر دو) را برایت فراهم می‌آورد که بدون شک در اجتماع این دو نعمت، خیر دنیا و آخرت هر دو وجود دارد.

«كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ»: همانگونه که آن را قبلاً بر پدران ابراهیم و اسحاق – این دو پیامبر بزرگوار – به اتمام و اکمال رسانید.

یعنی: نعمت خود را « بر پدران تمام کرد؛ ابراهیم» که الله متعال او را از آتش نجات داد، به نبوتش برگزید و او را به موهبت خلیل‌اللهی خویش مقتر ساخت «واسحاق» که به قولی: الله متعال او را نیز به نبوت برگزید و از این دو بزرگوار، نسل و تباری پاکیزه و موحد پدید آورد.

«إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)»: در حقیقت پروردگارت می‌داند که چه کسی شایسته‌گزینه است، او در قرار دادن فضل خود بر هر کسی که بخواهد، سنجیده کار و صاحب حکمت است؛ زیرا به علم خویش از کنه امور آگاه و به حکمت خویش گذارنده امور در جایگاه‌های آن می‌باشد.

### اسباط چه کسانی هستند؟

قبلاً ذکر کردیم که حضرت یعقوب ۱۲ فرزند داشت. اسباط بنی اسرائیل به این دوازده نفر نسبت داده می‌شوند. چون همه بنی اسرائیل از نسل یعقوب به وجود آمده‌اند، اشرف و اعظم و افضل فرزندان یعقوب حضرت یوسف بود حتی برخی از علماء گفته‌اند: در میان فرزندان یعقوب جز یوسف پیغمبری وجود نداشت و جز او به سوی هیچ یک از آن‌ها وحی نیامده است. این کثیر این دیدگاه را تأیید کرده و می‌فرماید: «آنچه از عملکرد گفتار آن‌ها در این داستان بر می‌آید این است که، آن‌ها پیغمبر نبوده‌اند و کسانی که در رابطه با پیغمبر بودن آن‌ها به آیت «قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ» (البقرة: ۱۳۶)، (بگوئید: به خدا و آنچه که به ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب فرو فرستاده شده... (ایمان آوردیم). استدلال نموده‌اند استدلال شان قوی به نظر نمی‌رسد، چون منظور از اسباط قبیله‌های بنی اسرائیل است که در میان آن‌ها پیغمبران وجود داشته‌اند و وحی نیز بر آن‌ها فرود آمده است. دلیل این‌که تنها یوسف از میان برادرانش پیغمبر بوده است این‌که: نصی بر پیغمبر بودن هیچ کدام از آن‌ها وجود ندارد و این امر دلیل مدعی ما است».

### یادداشت:

برخی از مفسران بر این باورند که برادران یوسف پیامبر بودند و به این استدلال کرده‌اند که آن‌ها همان اسباط مذکور در آیت می‌باشند: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ» (آیت: ۸۴، سوره آل عمران)، اما صحیح این است که اسباط اولاد یعقوب نیستند بلکه قبایلی از نسل یعقوب اندو محققان بر این نظرند.

پس اگر برادران یعقوب پیامبر بودند، به چنین عملی ناپسند اقدام نمی‌کردند؛ چون حسد و ایجاد فساد و اقدام به قتل و دروغ و انداختن یوسف به چاه با عصمت انبیاء منافات دارد. بنابراین که آن‌ها با وجود این جرایم، پیامبر باشند عقل سالم آن را نمی‌پذیرد. (بعقل از تفسیر صفوة التفاسیر).

خواننده محترم!

در آیات متبرکه (۷ الی ۱۰) ۲ - بحث در مورد، داستان یوسف علیه السلام و برادرانش ادامه می‌یابد.

### لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَلِّينَ (۷)

البته در (داستان) یوسف و برادرانش نشانه‌های (هدایت) برای سؤال کنندگان بود. (۷)

در حقیقت در داستان و سرگذشت یوسف و یازده برادرش متضمن اندرز و پند و عبرت روشنی بر حکمت و قدرت حق تعالی است؛ برای کسانی که اخبار آن‌ها را از دانشمندان پرسیده و دوستدار شناخت داستان‌شان باشند. و این داستان مطلقاً بهترین داستان‌ها در طول تاریخ است.

روایت است که: روزی تعدادی از یهودان نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می آیند و از ایشان سؤال می کنند که چرا فرزند یعقوب (علیه السلام) از کنعان به مصر رسید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز داستان یوسف علیه السلام را برایشان بازگو نمود. و یهودی‌ها متوجه موافقت داستان نقل شده از پیامبر صلی الله علیه وسلم با تورات شدند و از آن متعجب شدند. بنابراین در آیت از «لِّلْسَائِلِیْنَ» منظور همان یهودیانی بودند که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردند. و قرآن اشاره دارد به این‌که: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ» یعنی در داستان وقصه یوسف علیه السلام و برادرانش برای آن یهودیانی که سؤال نمودند عبرتی است (در حقانیت رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اثبات نبوتش) آنجا که می‌فرماید: «آیات للسائلین» و نیز گفته شده که آن داستان برای سؤال کنندگان و برای غیر آن‌ها عبرت و گواهی است بر نبوت پیامبر صلی الله علیه وسلم.

و گفته شده که آن داستان عبرتی است برای کسانی که حسد می ورزند؛ زیرا برادران یوسف بر وی حسد ورزیدند و نیز قصه یوسف علیه السلام شامل خواب و آنچه که از آن خوابها الله تعالی به حقیقت رسانیدشان و نیز داستان شامل صبر یوسف علیه السلام است در برابر شهوت جنسی و تحمل وی در زندان و نیز شامل تحمل رنج و غم یعقوب علیه السلام بر دوری فرزندش و... که همگی آن‌ها مایه عبرت برای عبرت گیرندگان است.

در حدیثی که از جابر روایت شده در باب شأن نزول این سوره آمده است:

که در یکی از روزها یکتن از یهودیان مشهور به «بستانه یهودی»، نزد آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای محمد! مرا از ستارگانی که یوسف در خواب دید خبر ده که نام‌های آن‌ها چیست؟ راوی می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم ساعتی سکوت کرده و در جواب وی چیزی نگفت، در این اثنا جبرئیل علیه السلام فرود آمد و ایشان را از نام‌های آن ستارگان با خبر ساخت، آنگاه ایشان به دنبال آن یهودی فرستاده و به او فرمودند: «اگر من تو را از نام‌های آن ستارگان آگاه کنم، ایمان می‌آوری؟» بستانه یهودی گفت: بلی! فرمودند: «نام‌های آن‌ها عبارت است از: جریان، طارق، ذیال، ذوالکففات، قابس و ثاب، عمودان، فلیق مصبح، ضروح، ذوالفرغ، ضیاء و نور». یهودی گفت: آری والله! نام‌های آن‌ها همین‌هاست که بر شمردید. برادران یوسف نیز یازده تن بودند، به نام‌های: یهوذا، روبیل، شمعون، لای، ربالون، یسجر، دینه، دان، نفتالی، جاد و آشر که این یازده تن، از «لیا» دختر خاله یعقوب علیه السلام به دنیا آمده بودند و چون «لیا» درگذشت، یعقوب علیه السلام با خواهر وی «راحیل» ازدواج کرد و او بنیامین و یوسف را به دنیا آورد.

(بمقل از تفسیر انوار القرآن).

خواننده محترم!

در داستان زندگی حضرت یوسف، آیات و نشانه‌های زیادی از قدرت‌نمایی پروردگار با عظمت به چشم می‌خورد که هر کدام از آن‌ها مایه عبرت و پند برای اهل تحقیق و جست و جو است؛ از آن جمله است: ۱- خواب پر راز و رمز حضرت یوسف. ۲- علم تعبیر خواب. ۳- تشخیص و اطلاع یافتن یعقوب از آینده فرزند خود. ۴- در چاه بودن و آسیب ندیدن. ۵- نابینا شدن و دوباره بینا شدن حضرت یعقوب علیه السلام. ۶- قعر چاه و اوج چاه. ۷- زندان رفتن و به حکومت رسیدن. ۸- پاک بودن و تهمت ناپاکی شنیدن. ۹- فراق و وصال. ۱۰- بردگی و پادشاهی. ۱۱- زندان برای فرار از گناه. ۱۲- بزرگواری و عفو سریع برادران خطاکار.

**دروس حاصله:**

یکی از دروس بی نهایت علمی و آموزنده در این سوره درجنب سایر دروس، شناخت از مرض مهلک حسد، است که بر اثر آن مرز خانواده و عواطف خویشاوندی را در هم می شکنند. که باید جداً به مضرات آن توجه خاص و دایمی داشته باشیم.

ادامه دارد